

اصطلاح عالم مراد عالم متعین دن خلاص ایچون نور سبحانی طلسمی چو شک این
چشم زهر با چشم تو آید چه کرم چمن شاه بر لری سبک حسک بودک التفت در دینی
حسک غفلت بلای در کرمش بر سخی و ناز بر صند بر کن سخن او زور که ستم
و صنوبر او زور ناز ایل مراد حسن مصراع حسن خانه نمیش با جبر اید و کن بیاید
فضول نفس حکایت بسی کد کد آتی. فضول نفس چون حکایت اید ای سانی
نه کار خود من از دست و می تا کن سن کند و شکل الکن و بر مرد و س غری
سزای ایل مراد نفس سوزنه اعماد عیوب عشق جانی مگور طبع بقدر
وصال بقدر ما شود سبک و صالک نعدنه اید بر هم حدیث و کله در عوا کیشم
بوان کنی بخوشتر کنی بوی اول شکر کبی لب جواد ایل مراد وصال جانی کنو ستم
لایق کو رسوب کلا جواد شاعت اید و کن بیان در لب پیاله بیوسن انگه شش نشان
فیه پیاله کبابی اید و انون حکم کن است لره ویر برین لطیفه و باغ فردی
کنی بر لطیفه و بو نراکت ایل متکلم داغنی صبر ایل مراد مردود فنض طلسمی در
و باغی شقیق ایچون ساگر فقیه نصیحت کند که عشق نماز اگر فقیه نصیحت اید
که عشق سخی اید پیاله بر عشق کو در باغ و اثر کن اگر بر پیاله ویر می و باغی
ترا ایل مراد طالبی عشق این دن شیخ اید عالم سزای عشق ویر که داغند این
استقلال منفی اوله و مگور ازین مراد و هم و خرقه نیک در تنگم بو خرد و هم در
دن زیاده مضرب بی یک کرمش عشق و ستم قلندور کن بر صوفیانه کرمش الهی
قلندور ایل مراد مرشدان جید بر طبعی در رسوم و عادات دن خلاص ایچون کرمش کوشه
جسم ایل نظر در پیش از نظر ایل عشق و عشق مهر و بان عشق و ما و روی
عشق ایل مست دن حکم در زکات ایچون سزای سزای نظر از بر کن ایشله دن که ایچون
عاشق شرفی از بر ایل مراد عشق الهی دن و اما و صفات مشغول حکم و ستم

بح امر جود

شعر

بنیم شعری از بر ایل مگور ما و دی لرون مراد اما و صفات در اول انصاف
شراب فعل کس و زو آتی تهر جینان بین تر زری شراب چک و آتی الفلورک
یوز نه نظر ایل خلاف مذحبه آنان حال آید بین اگرک منزه حسک خلاصی
یوز که حاله نظر ایل به جیدین لرون مراد اوله و الله در آنان دن مراد مراد
لره در اینها دن مراد عشق در بریزد آتی فرخ کند ما و آرد مرصع و ان انصاف
کنه ایل طوتر در از دستی عاین کویه استیمان بین بر حوصه بکلورک
ال اوله بلوغی که مراد صومنا به اساس کیوب خانه و متصل اولون مراد شیخ ایل
ذم در که حق دن مراد ختم و خلق دن او سزای زمانه و اولون مراد کرمی بخشن
دو جهان سزای و می آرد اگر جهان فرشته باشی کلمه و باغ و کرم کلایان
دخترت جینا تا بین که اگرک و خوشه جین لرون داغ و کسری که مراد عشق
ای خردن خوشه جین ایل عشق جمع در که حق دن خردن جین ستم
و از مراد ستم خوشه جین فرخ عشق ستم عالم سخی از زود کبابی
بکلی ستم کرمش بر از خان طلیعه جزوی انصاف بهما یک جان طلیع ایل
شیخ ایل دن و ناز ناز نیشان بین ایل دگ نیشانی و ناز نیشان که ناز نیشان
ایل دلون مراد طالب در ناز نیشان دن مراد مراد در حریف عذبه حریف زکس
نمی شنورم محبت عودیک سوزنی که دن ستم و حکا و نای صفت
یادان و عین نیشان بین یار لرون و صاحب کرک معاصی و ناسی کور
مراد زمانه دوست لرونک و فاسد لعدن شکایتید یا و نای خود بود
در عالم یا کرمش در بین زمانه کرمش عشق شده جارح خارا عشق
عشقه ایل بلوغ ستم خلاصه جارح در صبر عاقبت آنرا پیش پیش بیان
بین پیش بین لرون عاقبت فکر اید بی صبر لرون کور مراد عشق کرمش از اولون

بین امر جود

عاشق ایل
وصف ایل